

## عنصر محبت در فرهنگ رضوی

علی سروری مجد\*

### چکیده

عنصر محبت در دنیای امروز یکی از گمشده‌های بشر و نواقص جوامع بشری است. با توسعه زندگی صنعتی و اشتغال‌های روزافزون مادی انسان، جنبه‌های معنوی و فطری به فراموشی سپرده شده است. فرهنگ حیات‌بخش رضوی که همان فرهنگ قرآن و عترت بوده، به دلیل فرابشری بودن و اتصال به وحی، هماهنگ با فطرت آدمیان نیز است. متفکران اسلامی در کتاب‌های اخلاقی و آموزه‌های رضوی به بحث‌های کلی و تا حدی دسته‌بندی موضوع‌ها پرداخته‌اند؛ اما تمرکز این مقاله بر تحلیل ابعاد یک موضوع خاص و ضروری بشر معاصر یعنی «محبت» استوار است. لذا به این پرسش اصلی پرداخته می‌شود که «ابعاد محبت در فرهنگ رضوی چیست؟» بدیهی است تأکید اصلی در این مقاله بر حکمت نظری و عملی مستفاد از آموزه‌های رضوی است تا رابطه توحیدی و مجازانه انسان با پروردگار و در راستای آن با سایر مخلوقات ترسیم شود. لذا با مراجعه مسئله‌محورانه به منابع دینی (قرآن و روایت‌های معتبر) در پی کشف و تحلیل ابعاد مسئله بوده، برای نیل به این هدف، داده‌های لازم از منابع کتابخانه‌ای گردآوری شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. روش، تحلیلی - توصیفی و شیوه گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای اسنادی است.

### واژه‌های کلیدی:

محبت، قرآن، عترت، فرهنگ، امام رضا<sup>(ع)</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱/۲۰

soroori@ricac.ac.ir

\*. استادیار پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

## ❖ مقدمه

سال دوم، شماره پنجم، بهار ۱۳۹۳

آموزه‌های قرآن و عترت تنها راه نجات بشر در عصر مادیت و سرگشتگی است. سیره علمی و عملی امام رضا<sup>(ع)</sup> به‌عنوان امام معصوم و منصوب پروردگار، گنجینه‌های نهفته عقول و فطرت بشر را شکوفا و بارور می‌کند. یکی از مصادیق این شکوفایی، تبیین ابعاد محبت در فرهنگ رضوی است. بدیهی است تعالیم قرآن و عترت پر از آموزه‌های معرفتی و اخلاقی است که دانشمندان بزرگی به جمع‌آوری و دسته‌بندی آنها پرداخته‌اند. اما تحلیل آن آموزه‌ها نیاز به دقت و موشکافی بیشتری برای پاسخ به نیازهای روز بشری دارد. لذا در چارچوب نظری مکتب شیعه اثنی عشری به تحلیل این مقوله پرداخته می‌شود. این مقاله درصدد تحلیل ویژگی‌هایی است که با استفاده از آموزه‌های قرآن و عترت، به‌خصوص امام رضا<sup>(ع)</sup>، موضوع محبت در فرهنگ رضوی تحلیل شود. لذا با مراجعه مسئله‌محورانه به منابع دینی (قرآن و روایت‌های معتبر) در چارچوب آموزه‌های قرآن و عترت در پی کشف و تحلیل ابعاد مسئله است و برای نیل به این هدف، داده‌های لازم از منابع کتابخانه‌ای گردآوری می‌شود و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. روش، تحلیلی - توصیفی و شیوه گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای اسنادی است.

به‌طورمشخص پژوهش مستقلی درباره عنصر محبت در فرهنگ رضوی صورت نگرفته؛ اما پیرامون موضوع اخلاق و آداب رضوی، متفکران اسلامی در کتاب‌ها و مقاله‌های خود به بحث پرداخته‌اند. در آغاز ضروری است به تبیین واژگان مورد بحث پرداخته شود.

## فرهنگ

فرهنگ فارسی معین، فرهنگ را مرکب از دو واژه «فر» و «هنگ» به معنای ادب، تربیت، دانش، علم، معرفت، آداب و رسوم تعریف کرده است (۱۳۸۷: واژه فرهنگ). برای فرهنگ، تعاریف متعددی ارائه شده که بعضی از این تعاریف، مفهوم عام و برخی دیگر مفهوم خاصی به‌دست می‌دهند.

## ❖ عنصر محبت در فرهنگ رضوی ❖ ۶۷

❖ سال دوم، شماره پنجم، بهار ۱۳۹۳

با عنایت به اینکه مفهوم امروزی «Culture» در سده‌های اخیر در جامعه غرب شکل گرفته و به‌طور عارضی معادل‌هایی مانند فرهنگ در زبان فارسی یا «الثقافة» در زبان عربی برای آن گزیده شده است، این اصطلاح را باید در شمار آن دسته از اصطلاحات علوم اجتماعی به‌شمار آورد که حاصل تحولات بنیادین رخ داده در سبک زندگی و شیوه اندیشه‌ورزی در عصر مدرن است. این اصطلاحات در بافت همین دوره تاریخی قابل درک هستند.

با این همه می‌دانیم که فرهنگ‌های انسانی همواره آمادگی رابطه بینا فرهنگی و تأثیرپذیری و تأثیرگذاری بر دیگر فرهنگ‌ها را دارند، یعنی حفظ، رشد، تولید و تأثیرگذاری.

فرهنگ در درون خود نیز این امکان را دارد که به چندین خرده فرهنگ، تقسیم شود.

از نگاه اسلام، فرهنگ متعالی، فارق از حیات انسان و حیوان است. زیرا تجلی این توانایی‌هاست که حیات فردی و زندگی اجتماعی انسان را شکوفا می‌کند و فقدان آنها، رکود و انحطاط را در جامعه در پی دارد، به حدی که به تعبیر قرآن، مانند چارپایان یا پست‌تر از آنان می‌شود: «لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْإِنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (اعراف / ۱۷۹).

زندگی آنان که برای رشد و تعالی خود از ابزار معرفتی و فرهنگی بهره نمی‌برند با حیات حیوانات تمایز چندانی ندارد. غفلت از این توانایی‌ها، انسان و جامعه انسانی را به پرتگاه سقوط نزدیک می‌کند و به دنائت و پلیدی می‌کشاند.

با جمع‌بندی تعاریف فرهنگ، این نتیجه به‌دست می‌آید: فرهنگ مجموعه‌ای از باورها، انگیزه‌ها، ارزش‌ها، آداب و رسوم است که در جامعه نهادینه شده و دارای مرز مشخص و قابل انتقال از نسلی به نسل دیگر یا از جامعه‌ای به جامعه دیگر است.

## امام رضا<sup>(ع)</sup>

امام رضا<sup>(ع)</sup> (۲۰۳ - ۱۴۸ق) به‌عنوان هشتمین امام شیعیان اثنی‌عشری به نص پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> در حدیث لوح و نص پدران معصومش<sup>(ع)</sup> همه خصوصیات یادشده درباره امام را

❖ داراست. بر اساس روایت امام جواد<sup>(ع)</sup>، نام‌گذاری آن حضرت به «علی» و لقب «رضا» از سوی خداوند تعالی است (مفید، ۱۴۱۳ق الف، ج ۲: ۲۵۱).

حضرت رضا<sup>(ع)</sup> وارث علم نبوی<sup>(ص)</sup> و فضائل علوی<sup>(ع)</sup> است. کتاب‌های شیعه و اهل سنت، از علم، زهد، عبادت، کرامت، سیاست و حکمت بی‌نظیرش که از اجداد خود به عنایت الهی به ارث برده است، حکایت می‌کند.

شخصیت امام رضا<sup>(ع)</sup> فراتر از ملاک‌های عقلی آدمیان و نصب او فرابشری است (موحدابطحی، ۱۳۸۱: ۷۶).

امام رضا<sup>(ع)</sup> مقتدای خود را امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> می‌داند و می‌فرماید: «ان علیا امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> ... امامی و حجّتی و عروتی و صراطی و دلیلی و مَحَجّتی ...» (همان: ۲۸ - ۲۷).

روایت‌های معتبر اسلامی حکایت از معجزه‌های حضرت رضا<sup>(ع)</sup> می‌کند، نظیر معجزه‌های حضرت عیسی و حضرت سلیمان<sup>(ع)</sup> (همان، ۱۴۳۰ق: ۱۵۳ - ۶۵). عبادتش آن‌چنان بود که در روز اعطای جامه به دعبل خزایی شاعر اهل بیت<sup>(ع)</sup>، فرمود در این لباس هزار رکعت نماز خوانده و هزار بار ختم قرآن کرده‌ام.

در میان مردم مرو، پیروان اهل بیت<sup>(ع)</sup> بر این باور بودند که امام<sup>(ع)</sup> می‌باید از سوی خداوند نصب شود و ولایت را بر عهده گیرد؛ اما دیگران می‌گفتند امام را نه نصب الهی، که انتخاب مردمی معین می‌کند و او در حقیقت وکیل امت است.

امام رضا<sup>(ع)</sup> پس از آمدن به مرو و آگاهی از این مسئله فرمودند: «امامت را نشناختند تا امام را بشناسند. همان‌گونه که الله با الوهیت شناخته می‌شود، امام با امامت.» آن‌گاه ویژگی‌های امام را برشمردند: «قدر و منزلت، شأن و جایگاه امام رفیع‌تر از آن است که با عقول مردم سنجیده شود یا آنکه به اختیار خود برگزینند...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۱۹۹).

### فرهنگ رضوی

فرهنگ رضوی مجموعه آموزه‌های امام رضا<sup>(ع)</sup> و پدران پاک و معصومش تا پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> در حکمت نظری و عملی است. این تعالیم، همتای آموزه‌های قرآن کریم، مبین

آیه‌ها و تجسم عینی و عملی آن است. از آنجا که ائمه<sup>(ع)</sup> نور واحدند (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲: ۵۸؛ صفار، ۱۴۰۴ ق: ۵۷؛ ابن‌رستم طبری، ۱۴۱۵ق: ۶۳۰) گفتار و رفتار امام رضا<sup>(ع)</sup> جدای از سایر معصومان نیست؛ بلکه در یک منظومه هماهنگ و به هم پیوسته قرار دارد. بنابراین، مجموعه آموزه‌های قرآن و عترت را با تأکید بر گفتار و رفتار امام رضا<sup>(ع)</sup> «فرهنگ رضوی» می‌نامیم؛ فرهنگی که امام رضا<sup>(ع)</sup> با حکمت و تدبیر از آن پاسداری کرد و در آن راه به شهادت رسید. فرهنگی که آدمی را در جاذبه هدف اعلای حیات به تکاپو وامی‌دارد و تمدن اصیل را برای بشریت به ارمغان می‌آورد. این تمدن اصیل جز در پرتو امامت عترت پاک پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> تحقق پیدا نمی‌کند. امام رضا<sup>(ع)</sup> «امام» را پدر رؤف امت می‌شمارند: «امام ابر پر باران و باران پر برکت است، خورشید درخشان و زمین گسترده است. او چشمه جوشان و باغ و برکه است. امام امینی است همراه، پدری است مهربان، برادر تنی و در مصائب پناه بندگان است» (صدوق، ۱۳۷۲، ج ۱: ۴۵۰) بنا به فرموده امام رضا<sup>(ع)</sup>، امام نه تنها داناترین، حکیم‌ترین، متقی‌ترین، بردبارترین، شجاع‌ترین، با سخاوت‌ترین و عابدترین مردم است؛ بلکه از پدر و مادر آنان به خودشان مهربان‌تر است.<sup>۱</sup>

## محبت

«مَحَبَّة» به معنای دوست داشتن<sup>۲</sup>، از ریشه «ح ب ب» و اسم مصدر است. به تعبیر برخی از اهل لغت (غیاث) مصدر میمی است (دهخدا، ۱۳۷۷، واژه محبت). البته فلاسفه و عرفا تعاریف جداگانه‌ای از این واژه ارائه داده‌اند (رک: دهخدا، ۱۳۷۷، واژه محبت؛ فعالی،

۱. عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا<sup>(ع)</sup> قَالَ لِلْإِمَامِ عَلَامَاتٌ يَكُونُ أَعْلَمُ النَّاسِ وَأَحْكَمُ النَّاسِ وَأَتْقَى النَّاسِ وَأَحْلَمُ النَّاسِ وَأَشْجَعُ النَّاسِ وَأَسْخَى النَّاسِ وَأَعْبَدُ النَّاسِ.... وَيَكُونُ أَوْلَىٰ بِالنَّاسِ مِنْهُمْ بِأَنْفُسِهِمْ وَأَشْفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ آبَائِهِمْ وَأُمَّهَاتِهِمْ وَيَكُونُ أَشَدَّ النَّاسِ تَوَاضَعًا لِلَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَيَكُونُ أَخَذَ النَّاسِ بِمَا يَأْمُرُ بِهِ وَأَكْفَىٰ النَّاسِ عَمَّا يَنْهَىٰ عَنْهُ وَيَكُونُ دُعَاؤُهُ مُسْتَجَابًا حَتَّىٰ إِنَّهُ لَوْ دَعَا عَلَىٰ صَخْرَةٍ لَأَنْشَقَّتْ بِنُصْفَيْنِ وَيَكُونُ عِنْدَهُ سِلَاحُ رَسُولِ اللَّهِ<sup>(ص)</sup> وَسَيْفُهُ ذُو الْفَقَارِ وَيَكُونُ عِنْدَهُ صَحِيفَةٌ يَكُونُ فِيهَا أَسْمَاءُ شِيعَتِهِ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ.... (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴: ۴۱۹ - ۴۱۸).

❖ ۱۳۸۱: ۱۲۹؛ قشیری، ۱۳۵۹ق: ۵۵۲؛ انصاری، ۱۳۸۷: ۲۱۷).

در فرهنگ اسلامی، «دین» جز محبت نیست.<sup>۱</sup> محبوب اصیل در فرهنگ قرآن و عترت، ذات باری تعالی است. بندگان خالص خدا، محبت او را در دل می‌پرورانند و در اوج خواسته‌هایشان او را طلب می‌کنند. امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> در دعای کمیل به خدا عرض می‌کند: «... وَاجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجًا وَقَلْبِي بِحُبِّكَ مُتِّمًا...» (ابن طاووس، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۷۰۹). در قلب مجبان پروردگار جز او نیست، جز او را نمی‌بینند و جز به او، پناهنده نمی‌شوند. امام حسین<sup>(ع)</sup> در دعای شریف عرفه این چنین با خدا نجوا می‌کند: «أَنْتَ الَّذِي أَرْزَلْتَ الْأَغْيَارَ عَنْ قُلُوبِ أَحِبَّائِكَ حَتَّى لَمْ يُحْيُوا سِوَاكَ وَلَمْ يَلْجُئُوا إِلَى غَيْرِكَ» (همان، ج ۱: ۳۴۹).

معصومان<sup>(ع)</sup> در مقام انس با پروردگار و اشتیاق مناجات با ذات ربوبی، به اسمای الهی متوسل می‌شوند. حضرت رضا<sup>(ع)</sup> در گشایش امور، پس از شهادت به توحید و بندگی، رسالت و ولایت پیامبر<sup>(ص)</sup> و صلوات بر او و اهل بیت طاهرینش<sup>(ع)</sup>، به تک تک اسمای حسناى الهی متوسل و با انس و تضرع به پیشگاه آن محبوب، طلب حاجت می‌کند: «... یا مفرج الفرج، یا کریم الفرج، یا عزیز الفرج، ...» (کفعمی، ۱۴۱۸ق: ۳۲۴؛ موحدابطحی، ۱۳۸۱: ۳۰). دعای افتتاح نمونه دیگری از انس معصومان<sup>(ع)</sup> با ذات احدیت و محبوب حقیقی است که با او معاشقه و بر او توکل می‌کنند: «... أَسْأَلُكَ مُسْتَأْنِسًا لَا خَافًا وَلَا وَجَلًا مُدْرَأًا عَلَيْكَ...» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۲: ۵۷۸).

هندسه عالم بر محور مهر و محبت است. محبت متقابل بین خدا و بندگان که مصدر آن نیز به رحمانیت خدا برمی‌گردد. انسان موحد، سراسر جهان را مظاهر فیض و رحمت خدا دانسته و در همه حال او را حاضر و ناظر بر احوال خویش می‌بیند.

کی رفته‌ای ز دل که تمنا کنم تو را

کی بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تو را

۱. قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ<sup>(ع)</sup> وَاللَّهِ لَوْ أَحْبَبْنَا حَجْرًا حَشَرَهُ اللَّهُ مَعَنَا وَ هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَقَالَ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَ هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۷: ۹۵).

غیبت نکرده‌ای که شوم طالب حضور

پنهان نگشته‌ای که هویدا کنم تو را

با صد هزار جلوه برون آمدی که من

با صد هزار دیده تماشا کنم تو را

(فروغی بسطامی، ۱۳۷۶، غزلیات).

دل، ذره‌ای از ذرات وجود است که مظهر تجلی رحمت رحمانیه پروردگار شده است. «کدام دلی است که مسرور به سرّی از اسرار محبت او نیست و کدام جانی است که منور به نور هدایت او نه. کدام خاطری است که خزینه رازی از رازهای نهانی او نباشد و چگونه سینه‌ای است که دفینه رمزی از رمزهای پنهانی او نبود» (نراقی، ۱۳۶۹: ۵۴).

عالم بر اساس رحمت استوار بوده و غضب نیز مأموم رحمت است: «... یا من سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ...» (مفید، ۴۱۳ق ب: ۱۶۱): «... أَنْتَ الَّذِي تَسْعَى رَحْمَتُهُ أَمَامَ غَضَبِهِ...» (امام علی بن الحسین<sup>(ع)</sup>، ۱۳۷۶: ۷۸). هم رحمت خداوند از غضب او فزون‌تر است و هم امام جماعت همه اسماء و صفات او. «قهر و عذاب در عالم، راهبرد اصلی و استراتژی خدا نیست؛ بلکه تاکتیک اوست جهت انبساط رحمت» (فعال، ۱۳۹۲: ۴۰).

در تعالیم حیات‌بخش قرآن و عترت، نعمت‌های مادی مانند ثروت، ازدواج، حتی ابر، باد، باران و... در خدمت بشر و وسیله‌ای برای جلب رحمت پروردگاراند: «كَتَبَ رِجْمًا عَلَيَّ نَفْسَهُ الرَّحْمَةَ» (انعام/ ۵۴). در ذیل محبت و عشق به ذات ربوبی، نکاتی وجود دارد که به اختصار بیان می‌شود:

### ۱. محبت اصیل

محبت مبتنی بر معرفت دینی، محبتی پایدار و واقعی است؛ اما محبت‌های مادی و زمینی، ناپایدار و غیر واقعی هستند. حب مال، جاه و بستگان، نمی‌تواند محبت واقعی باشد؛ مگر اینکه پیوندی با دین داشته باشد. «هر محبتی که دنیوی و مادی است و هدف و مقصودی جز دنیا و گرایش به زرق و برق آن ندارد، مجازی و سراب است و هر محبتی که بر اساس

❖ سال دوم، شماره پنجم، بهار ۱۳۹۳  
 دین است حقیقی و نه سراب، بلکه آب است که جان را نشاط می‌بخشد و عطش روح را فرو می‌نشانند» (بهشتی، ۱۳۸۵: ۱۷۶) عبادت واقعی هم مبتنی بر محبت به معبود استوار است و تا معرفت نباشد محبت واقعی هم شکل نمی‌گیرد. «محبت از معرفت است پس تا معرفت نباشد عبادت دست ندهد. حضرت خاتم<sup>(ص)</sup> فرمودند: العلم امام العمل و العمل تابعه» (طوسی، ۱۳۷۴: ۱۱۱).

محبت و عشق به معبود، نه تنها امری فطری است، بلکه در آیات و روایت‌های متعددی به اشکال گوناگون نسبت به آن تأکید شده که دین جز محبت در راه خدا نیست. قال رسول الله<sup>(ص)</sup>: «هل الدين الا الحب في الله و البغض في الله قال الله تعالى: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» (آل عمران / ۳۱) (ابن شاذان، ۱۳۶۳: ۲۸۷). امام باقر<sup>(ع)</sup> به آیه هفتم سوره حجرات درباره گرایش انسان به سوی ایمان و آراستن آن توسط خداوند در قلبی آدمی، استناد می‌فرماید و منشأ آن را محبت می‌دانند: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ<sup>(ع)</sup>: «هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ؟» قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «حَبِّبَ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَ زَيَّنَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸: ۸۰).

امام رضا<sup>(ع)</sup> از پدران گرامیشان از مناجات موسای کلیم با پروردگار نقل می‌فرمایند: «خداوند فرمود مرا در تمام حالات یاد کن» (چراکه او نزدیک و در همه حال شاهد و ناظر بنده خویش است):

عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا<sup>(ع)</sup> عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ<sup>(ع)</sup> قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ<sup>(ص)</sup>  
 إِنَّ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ لَمَّا نَجَى رَبَّهُ قَالَ يَا رَبِّ أَبْعِدْ أُنْتِ مِنِّي فَأُنَادِيكَ أُمَّ قَرِيبُ  
 فَأُنَاجِيكَ فَأَوْحَى اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ إِلَيْهِ أَنَا جَلِيسٌ مِنْ ذَكَرْنِي فَقَالَ مُوسَى يَا رَبِّ إِنِّي  
 أَكُونُ فِي حَالِ أَجْلِكَ أَنْ أَذْكَرَكَ فِيهَا فَقَالَ يَا مُوسَى أَذْكَرْنِي عَلَى كُلِّ حَالٍ (صدوق،  
 ۱۳۹۸ق: ۱۸۲).

بدیهی است مراد از ذکر، تمام مراتب آن است.



معصومان<sup>(ع)</sup> همواره تأکید فرمودند که دوستی و دشمنی تان جز در راه خدا نباشد. تعبیری که در این باره در روایت‌ها زیاد به چشم می‌خورد «الْحَبُّ فِي اللَّهِ وَالْبُغْضُ فِي اللَّهِ» است: الإمام أبي محمد الحسن العسكري عن أبيه ... قال: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لِبُغْضِ أَصْحَابِهِ ذَاتَ يَوْمٍ يَا عَبْدَ اللَّهِ أَحِبَّ فِي اللَّهِ وَأُبْغِضْ فِي اللَّهِ وَوَالِ فِي اللَّهِ وَعَادِ فِي اللَّهِ فَإِنَّهُ لَا تَتَالُ وَوَلَايَةَ اللَّهِ إِلَّا بِذَلِكَ وَلَا يَجِدُ رَجُلٌ طَعْمَ الْإِيمَانِ وَإِنْ كَثُرَتْ صَلَاتُهُ وَصِيَامُهُ حَتَّى يَكُونَ كَذَلِكَ» (صدوق، ۱۳۷۶: ۱۱؛ همان، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۹۱؛ منسوب به امام حسن بن علی بن محمد<sup>(ع)</sup>، ۱۴۰۹: ۷۲۳).

خداوند به پیامبرش<sup>(ص)</sup> در حدیث قدسی می‌فرماید: همتت را یک چیز قرار بده. زبان، بدن، اندیشه و انگیزه‌ات را الهی کن. اگر دل به خدا دادی دیگر نگران چیزی مباش. عقلت را در راه خدا به کار گیر. اهل یقین، حسن خلق، سخاوت و رحمت بر خلق باش:

يَا أَحْمَدُ اجْعَلْ هَمَّكَ هَمًّا وَاحِدًا فَاجْعَلْ لِسَانَكَ وَاحِدًا وَاجْعَلْ يَدَيْكَ حَيًّا لَا تَتَفَلَّأُ أَبَدًا مِنْ عَقْلِ عَنِّي لَا أَبَالِي بِأَيِّ وَادٍ هَلَكَ يَا أَحْمَدُ اسْتَعْمِلْ عَقْلَكَ قَبْلَ أَنْ يَذْهَبَ فَمَنْ اسْتَعْمَلَ عَقْلَهُ لَا يُخْطِئُ وَلَا يُطْغَى يَا أَحْمَدُ أَنْتَ لَا تَفْعَلُ أَبَدًا مِنْ عَقْلِ عَنِّي لَا أَبَالِي بِأَيِّ وَادٍ هَلَكَ يَا أَحْمَدُ هَلْ تَدْرِي أَيُّ شَيْءٍ فَضَّلْتِكِ عَلَيَّ سَائِرِ الْأَنْبِيَاءِ قَالَ اللَّهُمَّ لَا قَالِ بِالسَّائِرِينَ وَحُسْنِ الْخَلْقِ وَسَخَاوَةِ النَّفْسِ وَرَحْمَةِ الْخَلْقِ وَكَذَلِكَ أَوْتَادُ الْأَرْضِ لِمَنْ يَكُونُوا أَوْتَادًا إِلَّا بِهَذَا (فيض، ۱۴۰۶: ۲۶؛ ۱۵۰؛ دیلمی، ۱۴۱۲: ۱: ۲۰۵).

در راستای عشق و محبت به پروردگار، محبت به اولیای او شکل می‌گیرد. امام رضا<sup>(ع)</sup> در نوشته‌ای به یونس بن بکیر این گونه آموزش می‌دهند که هنگام درخواست از خداوند، به پیامبر<sup>(ص)</sup> و اهل بیتش<sup>(ع)</sup> متوسل شو، چراکه در اثر عدم ولایت و اقرار به امامت و فضائل ایشان، حتی اعمال نیکو هم پذیرفته نمی‌شود:

اللَّهُمَّ فَإِنِّي أُوْفِي وَأَشْهَدُ وَأُقِرُّ وَلَا أَنْكُرُ وَلَا أَجْحُدُ، وَأُسِرُّ وَأُعْلِنُ وَأُظْهِرُّ وَأُبْطِنُ، بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ (ص) وَأَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ سَيِّدَ الْأَوْصِيَاءِ وَوَارِثَ عِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ، عَلِمَ الدِّينِ، وَمُبِيرُ

المُشْرِكِينَ وَ مُمَيِّزِ الْمُنَافِقِينَ وَ مُجَاهِدِ الْمَارِقِينَ وَ إِمَامِي وَ حُجَّتِي وَ عُرْوَتِي وَ صِرَاطِي وَ دَلِيلِي وَ مَحَجَّتِي وَ مَنْ لَا أُنْقُ بِأَعْمَالِي وَ لَوْ زَكَتْ وَ لَا أَرَاهَا مُنْجِيَّةً لِي وَ لَوْ صَلَّحْتَ، إِلَا بِوَلَايَتِهِ وَ الْإِتِمَامِ بِهِ وَ الْإِقْرَارِ بِضَائِلِهِ ... اللَّهُمَّ تَبَسَّلْ بِهَيْمِ إِلَيْكَ وَ تَقَرَّبْ بِمَحَبَّتِهِمْ وَ تَحَضَّنْ بِإِمَامَتِهِمْ، افْتَحْ عَلَيَّ فِي هَذَا الْيَوْمِ أَبْوَابَ رِزْقِكَ وَ انْشُرْ عَلَيَّ رَحْمَتَكَ وَ حَبِيبِي إِلَى خَلْقِكَ، وَ جَنِّبْنِي بَعْضَهُمْ وَ عَدَاوَتَهُمْ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ... (ابن طاووس، ۱۴۱۱ق: ۳۰۳، مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۴: ۳۶۷، ح ۴؛ احمدی میانجی، ۱۴۲۶ق، ج ۵: ۲۴۰).

بنابراین در فرهنگ رضوی، در امتداد عشق به خداوند و یقین به او، ولایت اهل بیت<sup>(ع)</sup> و در ذیل ولایت ایشان، محبت به خلق قرار می‌گیرد.

## ۲. محبت به خلق

قرآن کریم در آیات متعددی به موضوع اخوت انسانی اشاره کرده است. برای نمونه آنجا که از امت‌های انبیای گذشته که موحد نبودند سخن گفته، حضرت صالح، حضرت شعیب و حضرت هود<sup>(ع)</sup> را با تعبیر لطیف برادر، معرفی کرده است: «وَالِیْ تَمُوذَ أَخَاهُمُ صَالِحًا» (اعراف/ ۷۳)؛ «وَالِیْ مَدَیْنٍ أَخَاهُمُ شُعَیْبًا» (اعراف/ ۸۵)؛ «وَالِیْ عَادٍ أَخَاهُمُ هُوْدًا» (اعراف/ ۶۵).

امیرمؤمنان<sup>(ع)</sup> در عهدنامه مالک اشتر به موضوع اخوت و همانندی در آفرینش اشاره کرده و عمل به مقتضای آن را مورد تأکید قرار داده است: «ای مالک، قلبت را از رحمت، محبت و لطف بر مردم پر کن و نسبت به آنان درنده‌ای خون خوار مباش که خوردن آنان را غنیمت بشماری، زیرا مردم دو صنف‌اند: یا برادر دینی تو هستند یا مانند تو در خلقت (همنوع تو)». بنابراین اخوت را می‌توان هم به معنای عام گرفت که عبارت است از رفتار مسالمت‌آمیز با دیگر انسان‌ها تا جایی که آنان با آیین حق دست به دشمنی و عناد نزده باشند<sup>۱</sup> (اخوت انسانی) و هم به معنای خاص که همان اخوت ویژه میان مؤمنان است که در سوره حجرات

۱. «أَشْعِرُ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَ الْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَ اللَّطْفَ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِمْ وَ لَا تَكُونَنَّ سَبْعًا ضَارِبًا تَقْتَنِمُ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِذَا أَخَذَ لَكَ فِي الدِّينِ وَ إِذَا نَظَرَ لَكَ فِي الْخَلْقِ ..» (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، نامه ۵۳، بند ۹ - ۸).

با ادات حصر بیان شده: «أِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات / ۱۰) یا در سوره فتح بیان شده که مؤمنان اگرچه در برابر کفار سرسخت و شدیداند اما در میان خود مهربانند.<sup>۱</sup> صاحب تفسیر مجمع البیان نقل می‌کند آن‌چنان مؤمنان از کفار تنفر داشتند که حتی از لباس و بدن آنان دوری می‌کردند؛ اما هر وقت به مؤمنان می‌رسیدند دست می‌دادند و روبوسی می‌کردند، «اذله علی المومنین اعزه علی الکافرين» (مانده / ۵۴).

گفتار و رفتار پیامبر<sup>(ص)</sup> نیز درباره مطلب یادشده می‌تواند چهره اسلام را به‌خوبی بنمایاند. وجود مبارک نبی گرامی<sup>(ص)</sup> جوامع بشری را همتای هم و در کنار هم بر اساس اصول مشترک انسانی با محور تعلیم و تربیت قرار می‌دهد و می‌فرماید: «الناس كأسنان المشط سوا؛ طبقات مختلف مردم مانند دندان‌های شانه‌اند» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴: ۳۷۹). اینجا سخن از مؤمن و مسلم نیست؛ بلکه سخن از مردم و ناس است، پس اقشار گوناگون مردم مانند دندان‌های یک شانه هستند که باید کنار هم با فاصله‌ای کم، صف ببندند. «شانه اگر بخواهد غبار از سر و روی برطرف کند و موی را شانه بزند و تعدیل کند، باید دندان‌هایش کنار هم با فاصله اندک منظم چیده شوند. ممکن است بعضی از این دندان‌ها، باریک و بعضی تنومند و قوی باشند؛ ولی فاصله اندک است و قابل تحمل» (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۴۳).

فرهنگ رضوی که فرهنگ خردورزی است، نیکی و محبت به مردم را سرمایه حیات دنیوی و اخروی می‌داند. امام رضا<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> فرموده است: «رأس العقل بعدالایمان بالله، التودد الی الناس و اصطناع الخیر الی کل بر او فاجر؛ اوج خردمندی، پس از ایمان به خدا، دوستی با مردم و نیکوکاری نسبت به هر انسان است؛ چه نیکوکار باشد و چه بدکار» (صدوق، ۱۳۷۲، ج ۲: ۳۵). این محبت و نیکی، به مردم زمان حیات آنها اختصاص ندارد؛ بلکه به پس از مرگ آنها نیز تسری پیدا می‌کند. امام رضا<sup>(ع)</sup> فرمودند: هیچ مؤمنی

۱ «مَحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَرَزَعٍ أُخْرِجَ شَطَءُهَا فَازْرَعُهَا فَاسْتَعْلَظَ فَاَسْتَوَى عَلَى سَوْفِهِ يَعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (فتح / ۲۹).

نیست که قبر مؤمنی را زیارت کند و هفت بار سوره قدر را بخواند، مگر آنکه خدا او و صاحب قبر را بیامزد (همان، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۱۸۱).

در بحث محبت به خلق، بدیهی است سفارش و تأکید فرهنگ رضوی نسبت به محبت به بستگان درجه یک و همسایگان از اولویت بیشتری برخوردار است (رک: جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۳۴۷ - ۳۴۱).

### ۳. محبت عادلانه

محبت به خلق در کنار رفتار عادلانه معنا پیدا می‌کند. امیرمؤمنان<sup>(ع)</sup> در نامه ارزشمندشان به فرزند خود سفارش می‌فرماید: «...وَاجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ غَيْرِكَ فَأَحِبُّ لْغَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَآكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ وَ لَا تَظْلِمُ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ وَأَحْسِنُ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ وَاسْتَفِيحْ مِنْ نَفْسِكَ مَا تَسْتَفِيحُ مِنْ غَيْرِكَ وَارْضَ مِنَ النَّاسِ لَكَ مَا تَرْضَى بِهِ لَهُمْ مِنْكَ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۷۴).

همدلی و یکی انگاشتن یکدیگر در اجتماع مؤمنان حقیقی که از مصادیق محبت عادلانه است، افزون بر آنکه ردائل اخلاقی را زائل می‌کند، فضائل را نیز رشد می‌دهد: «دامن کشیدن از هرگونه آزار و رنجش دیگران؛ خیرخواهی و خیررسانی به دیگران هر قدر که ممکن باشد<sup>۲</sup>؛ تکریم و تعظیم دیگران و بزرگ نپنداشتن خود<sup>۳</sup>؛ بخشش و چشم‌پوشی از خطاهای دیگران و تلاش برای رفع آنها<sup>۴</sup>» (نصیری، ۱۳۸۹: ۳۵).

۱. رسول اکرم<sup>(ص)</sup>: «المسلم من سلم المسلمون من يده ولسانه» (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۱: ۸ و ج ۷: ۱۸۶؛ ابن حنبل، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۱۶۳).

۲. «ویوثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصه» (حشر/ ۹) در شأن امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> و فاطمه زهرا<sup>(س)</sup>.

۳. پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup>: «لا تحقرن احدا من المسلمین فان صغیرهم عند الله کبیر» (محمدی ری شهری، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۶۵۲؛ متقی هندی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۵: ۸۵۱).

۴. امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup>: «اذا قدرت علی عدوک فالجعل العفو عنه شکرا للقدرة علیه» (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، حکمت ۱۱).

عنصر محبت در فرهنگ رضوی ❖ ۷۷

امام رضا<sup>(ع)</sup> می‌فرمایند: «هرکس فقیر مسلمانی را ملاقات کند و بر او سلامی متفاوت با سلام به توانگران کند، خدا را در روز قیامت خشمگین ملاقات خواهد کرد» (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲: ۵۲).

#### ۴. محبت انسان‌ساز

تعالیم و رفتار اولیای الهی، کیمیایی است که مس وجود افراد را طلای ناب می‌کند. قرآن کریم تأثیر ایمان به پروردگار و رفتار پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> را الفت و برادری میان مؤمنان می‌داند:

وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ؛ و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آن‌گاه که دشمنان [یکدیگر] بودید، پس میان دل‌های شما الفت انداخت، تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید. این‌گونه، خداوند نشانه‌های خود را برای شما روشن می‌کند، باشد که شما راه یابید (آل عمران/۱۰۳).

به تعبیر قرآن، الفت بین انسان‌ها کار آسانی نبوده؛ اما در اثر محبت ایمانی این غیر ممکن، ممکن شد:

وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ و میان دل‌هایشان الفت انداخت، اگر آنچه در روی زمین است همه را خرج می‌کردی نمی‌توانستی میان دل‌هایشان الفت برقرار کنی، ولی خدا بود که میان آنان الفت انداخت، چراکه او توانای حکیم است (انفال/۶۳).

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است

با دوستان مروت با دشمنان مدارا

(حافظ، ۱۳۲۰: غزل ۵).

❖ سال دوم، شماره پنجم، بهار ۱۳۹۲  
تا افراد اصلاح نشوند، جامعه صالح نمی‌شود. اصلاح جامعه وابسته به اصلاح اکثریت قابل توجهی از افراد جامعه است. تا جامعه از یک نظام فکری، رهبری الهی و التزام عملی برخوردار نباشد، به صلاح و تعالی نخواهد رسید.

محبت در چارچوب نظام فکری الهی و برای وصول به مقام قرب ربوبی، انسان‌ها را به اوج مراتب معرفت می‌رساند.

ابوذر غفاری از ربنه به مکه آمد و به دیدار پیامبر (ص) نائل شد. او در یک دیدار چند لحظه‌ای چنان متحول شد که به تمام عقاید و عادت‌های باطل پشت پا زد و آماده هر نوع مبارزه و جهاد شد... ابوذرها چه یافته بودند که این‌گونه متحول می‌شدند؟... در کدام مدرسه دوره منطق، کلام و فلسفه گذرانده بودند؟... آنها فهمیده بودند که درس عشق، در دفتر و کتاب و مدرسه آموختنی نیست (بهشتی، ۱۳۸۶: ۲۳۱ - ۲۳۰).

### ۵. محبت متقابل حاکمان، خواص و مردم

محبت از عناصری است که اختصاص به توده مردم ندارد؛ بلکه شامل روابط متقابل حاکمان، خواص و مردم نیز می‌شود.

امیرالمؤمنین (ع) در عهدنامه مالک اشتر با ندای جهانی خویش، رواج محبت و لطف در میان بندگان خدا را، توصیه و مطالبه می‌فرماید: «... أَشْعُرُ قَلْبِكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِمْ...» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۱۲۶).

در عبارت حضرت به مالک اشتر، « أَشْعُرُ قَلْبِكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ...» آمده؛ یعنی در لباسی که روی قلبت را می‌پوشاند و هیچ فاصله‌ای بین آن و قلبت نیست، سه چیز باید باشد: ۱. الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ؛ ۲. الْمَحَبَّةَ لَهُمْ؛ ۳. اللَّطْفَ بِهِمْ.

هر کدام، عامل دیگری است: رحمت عامل محبت و محبت عامل لطف.

امام رضا (ع) به‌عنوان امام متقیان می‌فرماید:

به خدا سوگند وقتی در مدینه بودم بر مرکب خود سوار می شدم و در میان شهر و بیرون شهر رفت و آمد می کردم. مردم مدینه حوائج و گرفتاری های خود را به من می گفتند و من نیز نیازهای ایشان را برآورده می ساختم. به این ترتیب، من و آنها مثل دوست و خویشاوند، رابطه داشتیم (صدوق، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۶۷).

شخصی نزد امام رضا<sup>(ع)</sup> آمد، به او سلام داد و گفت: «من یکی از آنهایی هستم که تو و پدرت را دوست می دارد. من از حج برگشته و پول و داراییم را تمام کرده ام و هیچ پولی ندارم تا به منزل برسم. از تو خواهشی دارم، مرا به وطن بازگردانی. وقتی به منزل رسیدم، آنچه را که تو به عنوان صدقه به من داده ای، به فقیری می دهم.» امام<sup>(ع)</sup> به آن مرد فرمودند: «خدای من به تو خیر دهد. این ۲۰۰ دینار را بگیر و برای رفع احتیاج خود صرف کن و آن را از طرف من، به عنوان صدقه، به فقیر مده.» بعد از رفتن آن مرد، سلیمان جعفری رو به امام<sup>(ع)</sup> کرد و پرسید: «شما مقدار زیادی پول به آن مرد بخشیدید در حالی که صورتان را پوشانیدید؟» امام رضا<sup>(ع)</sup> در پاسخ به او فرمودند: «این کار را از آن جهت انجام دادم که مبادا آثار حقارت و شرمندگی را به خاطر برآورده شدن حاجتش، در صورتش بینم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲: ۲۸).

ابوحمزه ثمالی درباره امام سجاد<sup>(ع)</sup> نقل می کند که به کنیزشان فرمودند: «هر سائلی را که عبور کرد اطعام کنید... تا مبادا مانند آنچه بر یعقوب<sup>(ع)</sup> و خاندانش وارد شد بر ما هم نازل شود...» (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱: ۴۵).

شیخ صدوق در عیون اخبارالرضا<sup>(ع)</sup> درباره داوری امام رضا<sup>(ع)</sup> آورده است:

یاسر می گوید: نامه ای (به این مضمون) از نیشابور به مأمون رسید. مردی مجوس هنگام مرگ وصیت کرده است مال زیادی را از اموال او میان بینوایان و تهیدستان تقسیم کنند؛ اما قاضی نیشابور آن اموال را میان مسلمانان تقسیم کرده است. مأمون به امام رضا<sup>(ع)</sup> گفت: ای سرور من در این موضوع چه می گویی؟ امام<sup>(ع)</sup> فرمودند: مجوسیان به بینوایان مسلمان چیزی نمی دهند، نامه ای به قاضی نیشابور بنویس تا

همان مقدار، از مالیات‌های مسلمانان بردارد و به بینویان مجوس بدهد (۱۳۷۲)،  
ج ۱: ۶۷۴).

### ۶. محبت اعضای خانواده به یکدیگر

بدیهی است وقتی اسلام این چنین الگوهای رفتاری با همشهریان یا حتی غیرمسلمانان را مطرح می‌کند، در خانواده نسبت به پدر و مادر، همسر و فرزندان تأکید بیشتری دارد. خداوند در آیه ۳۶ سوره نساء پس از دستور به توحید، امر به نیکی نسبت به پدر و مادر، خویشاوندان، همسایگان و... می‌کند: «وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَلًا فُجُورًا».

امام رضا<sup>(ع)</sup> درباره محبت به فرزندان، از رسول الله<sup>(ص)</sup> نقل می‌فرماید: «الولد ریحانه؛ فرزند، مانند گل است» (موحدابطحی، ۱۳۶۶: ۹۲؛ صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۷). با این تمثیل اهمیت توجه و محبت اعضای خانواده روشن‌تر می‌شود. مسلماً گل نیازمند مراقبت، ملاحظت، رسیدگی و توجه دائمی است؛ در غیر این صورت به‌زودی پژمرده می‌شود و از بین می‌رود.

### ۷. بخشش و مدارا با مردم هنگام غضب

از موارد مهمی که اسلام تحت عنوان خودکنترلی و خویشتن‌داری از آن یاد و مؤمنان را به آن دعوت می‌کند، این است که اهل ایمان به آنچه نزد خداست دل می‌بندند و نسبت به دنیا و اهلس باگذشت رفتار می‌کنند. قرآن می‌فرماید: «... وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفُرُونَ» (شوری / ۳۷).

خداوند به‌منظور بسط محبت، لطف و گذشت میان افراد، هم انسان‌ها را به عفو و بخشش خطای یکدیگر و هم به گذشت از درون دل نسبت به هم دعوت می‌فرماید: «وَلَا يَأْتَلِ أُولُوا الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولَى الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِيُغْفِرُوا لَأُولَى الَّذِينَ ظَلَمُوا أُولَئِكَ الَّذِينَ يُغْفِرُوا لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (نور / ۲۲).



بخشش، به چشم‌پوشی و گذشتن از خطا محصور نمی‌شود. بخشش مالی، آبرویی و سراسر وجود در اثر اشتیاق به پروردگار، مراتب بعدی آن را تشکیل می‌دهد.

### ۸. بخشش مالی

انفاق به‌عنوان نمادی از محبت در راه خدا مورد تأکید فراوان قرآن قرار گرفته است. قرآن بارها پس از تأکید بر اقامه نماز به پرداخت‌های مالی، امر می‌فرماید: «الذین ان مکنهم فی الارض أقاموا الصلوة و أتوا الزکاة» (حجج / ۴۱)؛ «الذین یؤمنون بالغیب و یقیمون الصلوة و مآرزقاهم ینفقون» (بقره / ۳).

امام رضا<sup>(ع)</sup> در نامه‌ای به فرزند دلبندشان جوادالائمه<sup>(ع)</sup> می‌نویسند:

فرزندم به اطلاع رسیده هنگامی که تو را از منزل می‌برند از در کوچک خارج می‌کنند. اما مگر نباید ورود و خروجت از در بزرگ باشد؛ پس هنگامی که می‌روی باید همراهت طلا و نقره باشد تا هرگاه کسی از تو چیزی درخواست کرد؛ ببخشی. ... ببخش! و از خدای دارای عرش، نگران فقر مباش (کلینی، ۴۰۷ق، ج ۴: ۴۳، ح ۵؛ صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۱، ح ۲۰؛ احمدی‌میانجی، ۱۴۲۶ق، ج ۵: ۲۶۰).

بخشش مالی که یکی از شعبه‌های محبت و احسان به خلق است، شعاعی از رحمت رحمانی خداوند است که در انسان موحد و پرهیزکار جلوه می‌کند.

### نتیجه‌گیری

فرهنگ رضوی که همان فرهنگ قرآن و عترت است و در گفتار و رفتار سراسر عصمت امام منصوب پروردگار، امام رضا<sup>(ع)</sup> تجلی پیدا کرده، آکنده از آموزه‌های حیات‌بخش جوامع بشری است. امام رضا<sup>(ع)</sup> مظهر ربوبیت پروردگارست تا گوهر وجودی انسان‌ها را تربیت کند. یکی از آموزه‌های مهم ایشان، رشد و کمال‌بخشی عنصر محبت در روح آدمیان است. در این مقاله، ضمن بیان مفهوم محبت، به ابعاد آن پرداخته شد. مهم‌ترین این ابعاد، شناخت محبت اصیل و عشق به پروردگارست. حب به پروردگار نه تنها امری فطری بوده، بلکه

❖ اساس دین بر محبت استوار است و نشانه اهل ایمان به‌شمار می‌رود. در فرهنگ رضوی، اندیشه و انگیزه انسان بر محور توحید و عشق به ذات ربوبی قرار دارد.

از آنجا که عالم بر محور رحمت رحمانیه پروردگار برپا شده و انسان به‌سبب برخورداری از روح الهی دارای شعاعی از رحمت اوست، انسان تربیت‌یافته در فرهنگ رضوی با انتخاب آگاهانه خویش، در نقطه‌ی اعلای محبت، حب به پروردگار، عشق به اولیای او و اقرار به ولایت، امامت و فضائل ایشان و در ذیل آن، محبت به مخلوقات و انسان‌ها، اعم از مسلمان یا غیرمسلمان، زنده یا مرده را سرلوحه‌ی اندیشه و عمل خود قرار می‌دهد. در این فرهنگ، محبت و احسان به بستگان درجه‌ی اول واجب شمرده می‌شود و سایر انسان‌ها در درجه‌های بعد قرار می‌گیرند.

در فرهنگ رضوی، عدالت در محبت، انسان‌سازی در پرتو محبت، محبت متقابل حاکمان و مردم ابعاد مهم دیگری را نیز تشکیل می‌دهند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع و مأخذ

### قرآن کریم

- ابن حنبل، احمد، (۱۴۱۴ق). **مسند**. بیروت: الرساله.
- ابن رستم طبری آملی کبیر، محمد بن جریر، (۱۴۱۵ق). **المسترشد فی الامامه**. قم: کوشانپور.
- ابن شاذان، فضل بن شاذان، (۱۳۶۳). **الإيضاح**. تحقیق جلال الدین محدث، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴ق/۱۳۶۳ش). **تحف العقول عن آل الرسول (ص)**. قم: اسلامی.
- ابن طاووس، علی بن موسی، (۱۴۰۹ق). **إقبال الأعمال**. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- ابن طاووس، علی بن موسی، (۱۴۱۱ق). **مهج الدعوات و منهج العبادات**. قم: دارالذخائر.
- احمدی میانجی، علی، (۱۴۲۶ق). **مکاتیب الأئمة (ع)**. قم: دارالحديث.
- امام علی بن الحسین (ع)، (۱۳۷۶). **الصحیفة السجادیة**. قم: الهادی.
- انصاری، عبدالله بن محمد، (۱۳۸۷). **منازل السائرين**. ترجمه و توضیح علی شیروانی بر اساس شرح عبدالرزاق کاشانی، قم: آیت اشراق.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۰۱ق). **الصحیح**. ۸ج، بیروت: دارالفکر.

- بهشتی، احمد، (۱۳۸۵). *گوهر و صدف دین*. تهران: اطلاعات.
- بهشتی، احمد، (۱۳۸۶). *فلسفه دین*. قم: بوستان کتاب.
- بهشتی، احمد، (۱۳۸۹). *اندیشه سیاسی تربیتی علوی در نامه‌های نهج البلاغه*. قم: بوستان کتاب.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۲). *تحریر تمهید القواعد*. تهران: الزهراء (س).
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۸). *روابط بین الملل در اسلام*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۱). *مفاتیح الحیاء*. قم: اسراء.
- حافظ، شمس‌الدین محمد، (۱۳۲۰). *دیوان حافظ*. تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران: وزارت فرهنگ.
- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۷). *لغتنامه دهخدا*. تهران: مؤسسه لغتنامه دهخدا وابسته به دانشگاه تهران.
- دیلمی، حسن بن محمد، (۱۴۱۲ق). *إرشاد القلوب إلى الصواب*. قم: الشریف الرضی.
- راغب‌اصفهان‌ی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن*. بیروت: دارالقلم.
- سیدرضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغه*. (للصحی صالح)، قم: هجرت.
- صدوق، محمد بن علی، (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. قم: اسلامی.
- صدوق، محمد بن علی، (۱۳۷۲). *عیون اخبار الرضا*<sup>(ع)</sup>. ترجمه علی‌اکبر غفاری و حمیدرضا مستفید، تهران: شیخ صدوق.
- صدوق، محمد بن علی، (۱۳۷۶). *الامالی*. تهران: کتابچی.
- صدوق، محمد بن علی، (۱۳۷۸). *عیون اخبار الرضا*<sup>(ع)</sup>. تهران: جهان.
- صدوق، محمد بن علی، (۱۳۸۵). *علل الشرایع*. قم: داورى.
- صدوق، محمد بن علی، (۱۳۹۸ق). *التوحید*. قم: اسلامی.
- صفار، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ق). *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد*<sup>(ص)</sup>. قم: مکتبه آیت‌الله المرعشی النجفی.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. ۶ ج، چاپ سوم، تهران: مرتضوی.
- طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۱ق). *مصباح المتجهّد و سلاح المتعمّد*. بیروت: فقه الشیعة.
- طوسی، محمد بن محمد بن حسن (خواججه نصیرالدین)، (۱۳۷۴). *آغاز و انجام*. شرح و تعلیقات حسن حسن‌زاده آملی، تهران: وزارت فرهنگ.
- فروغی بسطامی، عباس، (۱۳۷۶). *دیوان فروغی بسطامی*. تهران: روزبه.

- فعالی، محمدتقی، (۱۳۸۱). *دین و عرفان*. قم: زلال کوثر.
- فعالی، محمدتقی، (۱۳۹۲). *بخشش*. تهران: دارالصادقین.
- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، (۱۴۰۶ق). *الوافی*. اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup>.
- قرشی بنایی، علی اکبر، (۱۴۱۲ق). *قاموس قرآن*. ۷ ج، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- قشیری، ابوالقاسم، (۱۳۵۹ق). *الرساله القشیریة*، مصر: بی نا.
- کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، (۱۴۱۸ق). *البلد الامین و الدرع الحصین*. بیروت: الأعلمی للمطبوعات.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- متقی هندی، علاءالدین علی، (۱۴۰۵ق). *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*. ۱۸ ج، بیروت: الرساله.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار ائمه الاطهار*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- محمدی ری شهری، محمد، (۱۴۱۶ق). *میزان الحکمه*. قم: دارالحدیث.
- معین، محمد، (۱۳۸۷). *فرهنگ فارسی*. تهران: هنرور.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (۱۴۱۳ق الف). *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، قم: آل البیت.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (۱۴۱۳ق ب). *المزار*. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- منسوب به امام حسن بن علی بن محمد<sup>(ع)</sup>، (۱۴۰۹ق). *التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري<sup>(ع)</sup>*. قم: مدرسة الإمام المهدي<sup>(عج)</sup>.
- موحدابطحی، سید محمدباقر، (۱۳۶۶). *صحیفة الامام رضا<sup>(ع)</sup>*. قم: الامام المهدي<sup>(عج)</sup>.
- موحدابطحی، سید محمدباقر، (۱۳۸۱). *الصحیفة الرضویة<sup>(ع)</sup> الجامعه*. قم: الامام المهدي<sup>(عج)</sup>.
- موحدابطحی، سید محمدباقر، (۱۴۳۰). *عوالم العلوم و المعارف و الاحوال*. ج ۲۲، قم: الامام المهدي<sup>(عج)</sup>.
- نراقی، محمد مهدی، (۱۳۶۹). *انیس الموحدين*. تصحیح محمد علی قاضی طباطبایی و مقدمه حسن حسن زاده آملی، تهران: الزهراء<sup>(س)</sup>.
- نصیری، علی، (۱۳۸۹). *امام حسین<sup>(ع)</sup> پیشوای روشنائی ها*. قم: معارف وحی و خرد.